فهرست مطالب

[موضوع: فقه / نکاح 2](#_Toc21499624)

[اشاره 2](#_Toc21499625)

[فصل اول: ارتباطات حسي ظاهري 2](#_Toc21499626)

[مبحث اول: نگاه 2](#_Toc21499627)

[مسئله 31 عروه 2](#_Toc21499628)

[بيان چند نکته: 3](#_Toc21499629)

[نکته اول: صور مختلف نگاه در مسئله 31 عروه 3](#_Toc21499630)

[تقسيمات مختلف در ذيل هر يک از صور 4](#_Toc21499631)

[نکته دوم: نظر إلي غير الإنسان 7](#_Toc21499632)

[جمع‌بندی دو نکته 8](#_Toc21499633)

[مسئله اوّل: النظر إلي الأجنبيه 9](#_Toc21499634)

[مقدمه 9](#_Toc21499635)

[دليل اول: آيه 29 و 30 سوره نور 10](#_Toc21499636)

بسم الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح / مقدمات-نگاه

## اشاره

پس از بيان مقدماتي که در جلسات گذشته عرض شد گفتيم که در ابتدا يک فصل، يک باب و يا يک کتاب مستقل مربوط به روابط زنان و مردان خواهيم داشت و بخشي از مسائلي که استطراداً در ضمن نکاح مطرح شده است در ابتداي اين باب يا کتاب وارد مي‌شود و مسائل ديگري به آن ضميمه شده و مجموعه این‌ها تشکيل آن کتاب مستقل را خواهند داد که در خصوص روابط و احکامي است که ميان زنان و مردان متصور است؛ و لذا حدود سي مسئله‌ای که در ضمن مباحث نکاح مطرح شده که در اواسط اين بحث هم مي‌باشد (در کتب فقهي موجود)، در اينجا ابتدا مورد بحث و بررسي قرار خواهد گرفت.

# فصل اول: ارتباطات حسي ظاهري

## مبحث اول: نگاه

با توجه به تقسیم‌بندی که در جلسه گذشته صورت گرفت اولين فصل از اين کتاب مباحثي پيرامون ارتباطات حسي زنان و مردان مي‌باشد که به ترتيب اهميت عبارت بودند از «نگاه کردن»، «لمس کردن»، «سمع و استماع» و ... که مبحث اول آن «نگاه» در حوزه باصره مي‌باشد که درواقع مسائلي پيرامون نگاه کردن زنان و مردان به يکديگر مي‌باشد، البته با توجه به اينکه این‌چنین تقسیم‌بندی جديد مي‌باشد به‌تدریج مباحث کامل‌تر و پخته خواهد شد.

همان‌طور که عرض شد اولين مبحث در روابط ميان و زنان و مردان بحث نگاه کردن مي‌باشد که مربوط به حس باصره است. اين مبحث در عروه مسئله سی‌ویکم مي‌باشد که براي تکميل مطالعات خود مي‌توانيد به ذيل مسئله سی‌ویک عروه مراجعه فرماييد که آغاز اين مبحث از اين مسئله مي‌باشد و از ميان 22 مسئله‌ای که از 31 شروع شده تا 52 بخش عمده‌اي از آن‌ها مربوط به نظر مي‌باشد و مابقي مربوط به ستر، لمس و مسائل ديگري است که در ادامه خواهد آمد.

### مسئله 31 عروه

ابتدائاً مسئله سی‌ویکم را مرور کرده و در ادامه مباحث آن را عرض خواهيم کرد:

«لا يجوز النّظر إلي الأجنبيه و لا للمرأه النّظر إلي الأجنبي من غير ضرورة و استثني جماعة الوجه و الکفّين فقالوا بالجواز فيهما مع عدم الرّيبة و التّلذّذ فلا يجوز تکرار النّظر و الأحوط منع مطلقاً»

مرحوم سيد مي‌فرمايند: «لا يجوز النّظر إلي الأجنبيه» يعني مرد نمي‌تواند به زن بيگانه‌اي نگاه بيافکند.

همان‌طور که مشخص است «اجنبيه» در اينجا به معناي زن نامحرم مي‌باشد و توضيح آن اين است که زنان در مقابل هر مردي يا از محارم است و يا از اجنبيات و در اينجا گفته شده است «لا يجوز النظر الي الأجنبيه»

در ادامه مي‌فرمايند: «و لا للمرأه النّظر إلي الأجنبي من غير ضرورة» يعني در طرف مقابل هم همین‌گونه است که زن هم نمي‌تواند به اجنبي نگاه کند که البته قيد «مِن غير ضرورة» در انتهاي عبارت دوم قرار گرفته است که علی‌الظاهر به هر دو عبارت وارد مي‌شود.

پس به‌طور کل مي‌توان این‌گونه تقسيم کرد:

1. نگاه مرد به زن اجنبي بدون ضرورت جايز نيست.
2. نگاه زن به مرد اجنبي بدون ضرورت جايز نيست.
3. استثناء وجه و کفّين

مسئله سوم همان‌طور که ملاحظه فرموديد استثناء است که البته حدود ده مورد استثناء وجود دارد که يک استثناء مهم آن در اين مسئله بيان شده است و مابقي آن‌ها نيز در مسائل بعدي مورد بررسي قرار گرفته است.

و اما استثنائي که در اين مسئله وارد شده است همان بحث بسيار مهم «وجه و کفّين» مي‌باشد که به‌عنوان اولین استثناء مطرح مي‌شود و عبارت آن این‌چنین است «و استثني جماعة الوجه و الکفّين». ايشان مي‌فرمايد جمعي از فقها وجه و کفين را استثناء نموده‌اند «فقالوا بالجواز فيهما مع عدم الرّيبة و التّلذّذ» يعني نگاه به وجه و کفين درصورتی‌که به قصد ريبه و تلذّذ نباشد جايز است و اشکالي ندارد.

و قول دوم در بخش اين بحث اين است که: «و قيل بالجواز فيهما مرّة» يعني برخي گفته‌اند که يک نگاه به وجه و کفّين اجنبيه مانعي ندارد اما تکرار نگاه داراي اشکال است که عبارت آن این‌چنین است «فلا يجوز تکرار النّظر» و البته در ادامه قول سوّمي نيز وجود دارد که آن منع از نگاه کردن است مطلقاً فلذا مي‌فرمايد: «و الأحوط منع مطلقاً».

همان‌طور که ملاحظه فرموديد در همان بحث استثناء که وجه و کفّين باشد سه قول مطرح شد.

## بيان چند نکته:

اين مطلب لازم به ذکر است که طبعاً از اينجا به بعد وارد مباحثي خواهيم شد که ممکن است چندين ماه به طول بيانجامد و از اهميت بالايي هم در برخوردار است و بيان چند نکته به‌عنوان مقدمه بحث ضروري است:

### نکته اول: صور مختلف نگاه در مسئله 31 عروه

اولين مقدمه و اولين نکته در اينجا اين است که مقوله نظر و نگاه که با حس باصره مرتبط است در ميان زنان و مردان صور مختلفي دارند که به اين ترتيب مي‌باشد:

1. نگاه مرد به زن اجنبيه (مسئله اول بحث)
2. نگاه زن به مرد اجنبي (مسئله دوم)
3. نگاه زنان به يکديگر
4. نگاه مردان به يکديگر

این‌ها چهار صورت از مباحث نگاه کردن است که البته بحث خنثي هم استطراداً قابل طرح است که تبعاً صور ديگري را به وجود مي‌آورد که این‌چنین است:

1. نگاه خنثي به خنثي
2. نگاه زن و مرد به خنثي
3. نگاه خنثي به زن و مرد

که اين سه صورتي است که وقتي پاي خنثي به ميان آيد اين مباحث نيز مطرح مي‌گردد.

بنابراين بايد گفت تمام مباحث نگاه کردن هفت صورت مي‌باشد که عمده آن همان چهار صورت ابتدايي است که مصاديق غالب داشته و محل بحث است و معمولاً به همين ترتيب که عرض شد مباحث مطرح مي‌شود که مهم‌ترین آن نگاه مرد به اجنبيات (نامحرمان) باشد.

اين صور مختلف مسئله نگاه از يک منظر کلان است و عبارت است از نگاه به جنس مماثل يا به جنس مخالف و هر يک از اين مماثل و مخالف هم اقسامي دارد که گفته شد.

#### تقسيمات مختلف در ذيل هر يک از صور

در ذيل هر يک از اين موارد و به ويژه چهار قسم صور و تقسيمات مختلفي وجود دارد که از جمله اين تقسيمات اين است که نگاه به جنس مخالف از محارم باشد يا اجنبي که هر کدام احکام خاص خود را دارند و در اين مسئله فعلاً بحث از اجنبي است.

تقسيم ديگري که وجود دارد اين است که آيا اين نگاه همراه با ريبه و قصد تلذذ جنسي است يا خير؟ که اين هم تقسيم دومي است که در ذيل این‌ها مطرح مي‌شود.

و اما تقسيم سوم اين است که آيا در اين نگاه ضرورت (به معناي شرعي) وجود دارد تا مجوز نگاه کردن باشد يا چنين ضرورتي نيست.

به‌طور کل مي‌توان گفت حداقل اين سه تقسيم در ذيل موارد نگاه به جنس مخالف (و يا احيانا به همجنس) مطرح مي‌شود که البته برخي از اين تقسيمات نيز در تمام هفت مورد مطرح مي‌شود.

علاوه بر اين سه تقسيم انواع تقسيمات وجود دارد که به‌عنوان مثال مي‌توان به اين تقسيم اشاره کرده که کسي که متعلّق نظر است (منظور اليه) آيا مميز است يا غير مميز، مکلّف است يا غير مکلّف. تقسيم ديگر اين است که طرف مقابل آيا کافر است يا اهل کتاب يا مسلمان است و يا حتّي شيعه است يا غير شيعه و يا مؤمن است يا غير مؤمن. فلذا از اين منظرهاي چهارگانه هم اين تقسيمات وجود دارد که آن کسي که متعلّق نظر است از لحاظ اعتقادي و مذهبي چه وضعيتي دارد که لااقل اين چهار صورت فرض مي‌شود:

1. کافر و مشرک غير اهل کتاب
2. اهل کتاب. (البته اين قسم خود ذمي و غير ذمي دارد که وارد جزئيات آن نمي‌شويم)
3. مسلمان يا غیرمسلمان
4. مؤمن يا غير مؤمن

اين هم تقسيم ديگري است که از لحاظ اعتقادي و مذهبي مي‌باشد کما اينکه در بحث تکليف منظور إليه غير از مکلّف بودن و غير مکلّف بودن او تقسيم ديگري نيز مي‌تواند اينجا مطرح شود که آن هم از لحاظ سن افراد مي‌باشد که در آيا اين شخص در سنّ جواني و کهن‌سالی است و يا میان‌سال است که احکام خاصي در مورد زنان پير و فرتوت وجود دارد فلذا اين تقسيم نيز از لحاظ کهن‌سال بودن و جوان بودن مطرح مي‌شود.

همچنين تقسيم ديگري که در اين احکام و مسائل آمده است اين است که زناني باشند که اهل رعايت هستند يا خير؟ برخي از زن‌ها از آن دسته هستند که در مورد آن‌ها گفته شده است «إذا نهين لا ينتهين» و درواقع از متبرّجات هستند که همه تکاليف را هتک کرده و از آن‌ها عبور کرده‌اند که این‌چنین افرادي با زن‌هايي که محترم مي‌باشند احکام متفاوتي در ابواب فقهي و از جمله در اين باب دارد.

تقسيم هفتم که در اينجا وجود دارد از لحاظ اهل بوادي و قرا بودن است، يعني زناني که اهل کار بوده و در روستاها و معرکه‌هاي زندگي روستايي کار مي‌کنند که در روايات احکام متفاوتي در نظر براي آن‌ها ذکر شده است که البته از اين جهت که آيا تمام است يا خير بايد در جاي خود بحث شود. (ممکن است اين سؤال به ذهن برسد که آيا مي‌توان اين موارد را به مسئله زنان شاغل نيز تعميم داد يا خير در آينده بحث مي‌شود لکن آنچه مسلم است اين است که روايات در مورد بوادي و اهل قرا است).

آنچه گفته شد تقسيمات از حيث متعلّق نظر بود که البته علاوه بر این‌ها تقسيمات ديگري نيز مي‌تواند فرض شود؛ و اما تقسيماتي نيز از حيث نظر وجود دارد که البته از جهتي مي‌تواند در ذيل همان منظور إليه قرار گيرد؛ اين تقسيم که منظور إليه شخص حقيقي است يا اينکه صورت، مثال، تصوير، عکس، فيلم و ... از جنس مخالف است که نظر به این‌ها چه حکمي دارد؟ اين نيز تقسيمي است که امروزه مطرح است -و در جلسه فقهي که در اين ايام خدمت مقام معظم رهبري هستيم مربوط به همين مقوله نگاه به فيلم و تلويزيون و این‌گونه مسائل است.-

تاکنون حدود هشت تقسيم کلي مطرح شد و شايد بتوان گفت بيش از ده تقسيم در مقوله نظر ذيل آن صور وجود دارد که اين مطلب اولي بود که مطرح شد که البته قابل بسط بيشتر مي‌باشد و به‌تدریج نيز اقسام ديگري ممکن است پديد آيد لکن مهم‌ترین آن‌ها همين موارد است که در کلام فقها نيز وارد شده است.

بنابراين مقدمه اوّل ما قبل از ورود به مباحث نظر اين بود که:

اولاً نظر به ديگري يا مماثل است و يا مخالف و با توجه به اين تقسيم کلي هفت صورت کلان ذکر شد

ثانياً در ذيل هر يک از آن صورت‌هاي هفتگانه و يا به عبارت بهتر در ذيل چهار صورت اول از آن صور تقسيمات مختلفي مطرح مي‌شود که هشت مورد آن ذکر شد. درواقع در ذيل صورت اول تقسيم کلی که عبارت بود از نگاه مرد به زن اين هشت تقسيم مطرح مي‌شود؛ و لذا درواقع بايد گفت در منظر کلان هفت صورت وجود دارد و در ذيل آن هفت صورت حدود ده تقسيم وجود دارد که هشت مورد آن در اينجا برشمرده شد. پس اگر هر ذيل هر کدام از اين هفت صورت اين ده تقسيم قرار بگيرد هفتاد تقسيم مختلف به وجود خواهد آمد که البته ممکن است برخي از اين تقسيمات متصور نباشد لکن به‌طور کل حدود هفتاد تقسيم وجود خواهد داشت که بايستي تکليف اين تقسيمات در مباحث نظر مشخص شود.

اين يک مقدمه بود که چهارچوب تقسيمي و اقسام و صور متصور در اين بحث حداقل اين مواردي است که عرض شد و اينکه تأکيد مي‌شود «حداقل» به اين جهت است که باز هم تقسيمات فرعي ديگري نيز ممکن است به‌تدریج مواجه شويم و يا در سؤالات مطرح شود که بايستي مورد بررسي قرار گيرند.

بيان اين مطلب خالي از لطف نيست که در ذيل اين تقسيمات ده‌گانه که عرض شد لايه‌هاي ديگري نيز پديد مي‌آيند، به‌عنوان مثال وقتي بحث از تقسيم نگاه بدون ضرورت يا با ضرورت مي‌شود در ذيل اين تقسيم اين بحث پيش مي‌آيد که ضرورت انواع مختلفي دارد و لذا بايد به لايه سوّم نيز برسيم باز هم تقسيمات ثانوي ديگري نيز وجود خواهد داشت. در حال حاضر فقط دو تقسيم به‌عنوان لايه اول و دوم عرض شد که سطح اول و لايه اول تقسیمات همان هفت صورت مي‌باشد که از لحاظ مماثل و مخالف بود و سطح و لايه دوم تقسيمات کلی ديگري بود که حدود ده مورد آن عرض شد؛ و اما در ذيل هر يک از اين تقسيمات سطح دوم تقسيمات فرعي ديگري نيز وجود دارد که از آن به‌عنوان سطح و لايه سوم نام برده مي‌شود و البته در اينجا به آن‌ها اشاره‌اي نمي‌کنيم و اما در طول بحث به هر يک از اين موارد که برخورد کرديم به فراخور بحث تقسيمات سطح سوم نيز بيان خواهد شد.

اين چهارچوب و سامانه کلی مبحث نظر مي‌باشد که به‌عنوان نکته اول عرض شد.

«در اينجا لازم است که مجدداً به تقسيمات ده‌گانه بازگردیم و اين تقسيم را نيز يادآور شويم که نگاه به زنده و مرده نيز از تقسيماتي است که خود داراي مباحث بسيار زيادي است؛ و در بحث جنس مخالف مرده هم انواع مرگ مغزي و غير مغزي و ... نيز پيش خواهد آمد و همچنين تقسيم ديگري نيز وجود دارد که تقسيم مريض و غير مريض و يا نگاه به حر و عبد نيز از ديگر تقسيمات مي‌باشد که این‌ها تقسيمات ديگري است که در سطح دوم و در ادامه هشت موردي است که عرض شد.»

آنچه عرض شد مقدمه اول بود که گفته شد در نگاه انساني از حيث ذکورت و انوثت در سطح اول هفت قسم داشتند و ذيل آن سطح دوم بود که تقسيماتي بيش از ده‌گانه داشت. لکن بايد همان‌طور که متوجه شديد در تمام اين موارد مقسم نگاه به انسان‌هاي ديگر از حيث ذکورت و انوثت مي‌باشد.

### نکته دوم: نظر إلي غير الإنسان

و اما مقدمه دوم اين است که در باب نگاه مي‌توان از سطح انساني فراتر برويم و منظور إليه از حيث غیرانسانی را نيز مورد بحث و بررسي قرار دهيم اگرچه در اينجا بحث نشده است.

به‌عبارت‌دیگر از يک منظر کلان‌تر مي‌توان گفت نگاه يا نگاه به انسان‌هاي ديگر است که اين همان فهرست قبل است که بيش از هفتاد قسم براي آن برشمرده شد، لکن قسم ديگري که وجود دارد نگاه به غير انسان است که مي‌تواند محل بحث قرار گيرد و از منظرهاي مختلف احکام فراوان براي آن وجود دارد که از جمله اين قسم مي‌توان به نگاه به حيوان‌هاي ديگر نام برد که امروزه بسيار ديده مي‌شود –که البته در گذشته هم وجود داشته و احکام آن ذکر شده است- که تماس‌هاي جنسي با حيوان چه احکامي دارد؟!

مقوله تماس جنسي با حيوانات اگرچه از قديم در احکام وجود داشته است اما امروزه و علی‌الخصوص در کشورهاي غربي يک بحث بسيار مفصّل و زشت و مفتضحي است که بسيار هم گسترده است.

بنابراين در مقدمه دوم بحث از نظر به حيوان و حتي غير حيوان از جمله مصنوعات، اشياء ساختگي، تصاوير، عروسک‌ها و این‌گونه موارد است که این‌ها نيز بحث‌هاي مفصلي دارند.

پس همان‌طور که ملاحظه نموديد در مقدمه اول تمام آنچه گفته شد مربوط بود به «النظر إلي انسان آخر» اما تقسيم کلی‌تری نيز از آن وجود دارد که نظر به غير انسان‌ها مي‌باشد و در مقدمه دوم از آن سخن گفته مي‌شود و نکته‌اي که وجود دارد اين است که نظر به غير انسان‌ها محکوم به احکام خمسه مي‌باشد به اين معنا که نظر واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح وجود دارد که در مورد انواع نظر مصداق پيدا مي‌کنند.

به‌عنوان مثال مي‌توان در مورد نظرهاي مستحب به نظر به کعبه، نظر به قرآن، نظر به صورت عالم و اين قبيل موارد اشاره کرد که این‌ها از نظرهاي مستحب مشهور مي‌باشند.

ممکن است در ميان نظرهاي مستحب ذهن برخي از عزيزان به سمت نظر به والدين معطوف گردد که بايد عرض شود اين نگاه از جمله موارد مستحب نيست بلکه اين يک قسم از سطح سوم مباحث نظر مي‌باشد که همان‌طور که به خاطر داريد عرض شد به جز دو سطح تقسيمي که در نکته اول گفته شد يک سطح ديگر نيز وجود دارد که عبارت بود از محارم و غير محارم و در نگاه به محارم برخي از نگاه‌ها با برخي ويژگي‌ها مستحب مي‌شود و برخي نگاه‌ها با برخي قيود نگاه حرام مي‌شوند که البته اين سطح سوّم است که الان جاي بحث آن نيست.

و اما عرض ما در مقدمه دوم اين است که دنيايي از مباحث نظر در «إلي غير الإنسان» وجود دارد که در اين بخش نيز تقسيمات مختلفي متصور است از جمله تقسيم به حيوان و غير حيوان، تقسيم بين اشياء حقيقي و اشياء مجازي، انگيزه و رويکرد نگاه نيز تقسيم ديگري است که مي‌توان نام برد و همچنين تقسيمات ديگري از اين قبيل که مشخص نيست که آيا مي‌توان در آينده به آن پرداخت يا خير.

### جمع‌بندی دو نکته

حال به‌عنوان جمع‌بندی اين دو مقدمه مي‌توان گفت اولاً يک تقسيم بسيار کلان براي بحث نظر وجود دارد که نظر به انسان و غير انسان مي‌باشد که آنچه که به‌عنوان بيش از هفتاد قسم از انواع نظر مطرح شد در مورد بخش اول بحث است که نظر به انسان ديگر مي‌باشد که در دو سطح تقسيمات آن مطرح شد و سطح سومي نيز براي آن وجود داشت که به علت اينکه بسيار جزئي مي‌باشد در اينجا مطرح نشد اما در ذيل هر يک از مباحث عرض خواهد شد.

در اينجا اين نکته لازم است بيان شود که در فقه محور مباحث شخص مکلّف مي‌باشد که با تعميم مي‌توان گفت مميز را نيز در برمی‌گیرد و در اينجا درصدد بيان حکم اين شخص هستيم و به‌عبارت‌دیگر آنچه در تقسیم‌بندی اينجا مطرح شد مقصود منظور إليه مي‌باشد که در طرف مقابل او اين امر مفروض گرفته شده است که انساني است که نوعي از تکليف براي او وجود دارد اعم از بلوغ يا مميز که البته در اينجا حرفي از ناظر نيست که گفته شود احکام بالغ و مميز چيست بلکه بحث اصلي در اينجا بر روي همان منظور إليه است يعني احکام نگاه ناظر به‌منظور إليه چيست که تقسيماتي براي آن ذکر شد که دو سطح از تقسيمات در مقدمه اول و تقسيمات ديگري نيز در نکته دوم اشاره شد.

اين کليات مباحثي بود که در اين دو مقدمه ذکر شد و به‌بیان‌دیگر مي‌توان این‌چنین گفت که مکلّف حس باصره‌اي دارد که به ديگران و اشياء تعلّق مي‌گيرد. اين نگاه آن گاه که اختياري باشد مي‌تواند محکوم به احکام خمسه باشد. منظور إليه مکلّف يا انسان ديگري است و يا غير انسان است که اين تقسیم‌بندی اصلي و کلان ابتدائي است، سپس در حوزه نظر به انسان ديگر در سطح اول هفت قسم پديد مي‌آيد و در ذيل آن هفت قسم لااقل ده يا يازده تقسيم ديگري وجود درد و در ذيل اين يازده تقسيم صور و فروع ديگري وجود دارد که در اينجا به آن وارد نشديم. از سوي ديگر نيز بحث نگاه به غير انسان است که براي آن نيز تقسيماتي متصور است و به چند مورد از آن اشاره شد و اگر زماني امکان ورود به آن بحث وجود داشت بيشتر پيرامون آن بحث خواهيم کرد.

و نکته ديگري که بيان آن لازم به نظر مي‌رسد اين است که بايد بررسي شود که آيا نگاه مسلّح با غيرمسلح تفاوت دارد يا خير؟ و يا نگاه عادي و غیرعادی همچنين؛ که این تقسيمات مي‌تواند در ذيل مباحث نگاه به تلويزيون و ماهواره و ... مطرح شود و از فروعي است که بايد به آن پرداخته شود.

آنچه تاکنون گفته شد يک دورنما از مباحثي بود که بايد به‌تدریج در طول بحث به آن پرداخته شود.

حال ملاحظه مي‌فرماييد که اگر نظر را فقط منظور إليه انساني در نظر بگيريم چه ابواب وسيع و چه صور و شقوق فراواني دارد، سپس اگر گام را فراتر گذاشته و بخواهيم نظر را از نظر فقهي بحث کنيم –اعم از نظر به اشخاص و اشياء- باز باب وسيعي پيش رو گشوده مي‌شود که البته بخش‌هايي از آن در مباحث فقهي فعلي نيز موجود است.

در اينجا بيان اين مطلب خالي از لطف نيست که بحث عکس به جهت اينکه تصوير يک ذی‌شعور را منعکس مي‌کند در ذيل مباحث نگاه به اشخاص ذکر مي‌شود لکن از جهت ديگري مي‌تواند در نگاه به اشياء هم محل بحث قرار گيرد.

### مسئله اوّل: النظر إلي الأجنبيه

و اما در ابتداي ورود به بحث و در اين نظام تقسیم‌بندی که تاکنون عرض شد اولين بحثي که به آن پرداخته خواهد شد مبحث «النظر إلي الأجنبيه» است که به عبارتي اولين بخش از مباحث نگاه مي‌باشد چراکه در تقسیم‌بندی که صورت گرفت، اولين فصل از بحث عنوان «نظر» است که در ادامه نظر به «اشياء و اشخاص» تقسيم مي‌شود و پس از آن نظر به اشخاص به هفت قسم تقسيم مي‌شد (که عرض شد) و در ذيل اين هفت قسم نيز حدود 12 تقسيم ديگر وجود دارد و با در نظر گرفتن اين تقسيمات اولین مبحثي که در ذيل باب نگاه مطرح بود «نظر مرد به زن» مي‌باشد که اولين مورد از تقسیم‌بندی هفتگانه بود و در ذيل اين مبحث مسئله «نظر به اجنبيه» مي‌باشد که در اينجا قرار است به اين مبحث پرداخته شود و عبارت است از نگاه مرد به زن نامحرم.

همان‌طور که ملاحظه فرموديد اين بحث، اولين مسئله در عبارت سيد در عروه بود که پیش‌بینی مي‌شود اين بحث در حدود دو ماه به طول بيانجامد و بحث نسبتاً مفصّلي است.

آنچه تاکنون گفته شد اگرچه ابتدائاً بنا نبود تا اين حد طولاني شود لکن مباحث مهمّي بود که مي‌بايست عرض مي‌شد و حاصل آن اين است که در همين ابتداي کار تصوير کلاني از مبحث نظر ارائه شد و خواننده با يک نگاه جامع وارد بحث خواهد شد.

#### مقدمه

و اما در نظر به اجنبيه که در اين تقسيمات اولين بحث مي‌باشد لازم است يک نکته مقدماتي عرض شود و سپس وارد اصل بحث شويم و آن اينکه پس از مراجعه به کتب مختلف قدما همچون *سلسلة الينابيع* و ... ملاحظه مي‌شود که اين مطلب که «نظر به اجنبيه حرام است» اولاً در اواسط بحث نکاح مطرح شده است و بحث جدايي براي آن وجود ندارد و مسئله ديگر اينکه آنچه در اين کتب بيشتر پرداخته شده است استثنائات اين مسئله است به اين معنا که اصل مسئله مفروغ‌عنه تصور شده و وارد استثنائات شده‌اند که برخي از آن‌ها با اين عبارت که «يستثني من النظر، النظر إلي وجه و الکفّين» فقط يک کلمه براي استثناء ذکر کرده و وارد آن‌ها شده‌اند و برخي همين کلام را نيز نیاورده‌اند؛ و عمدتاً آنچه که به صورت شفاف و به‌صراحت مطرح است استثناء وجه و کفين مي‌باشد اما اينکه اصل اينکه بحث حرمت نظر باشد به‌نوعی مسلم انگاشته شده است که در کتبي همچون مبسوط، خلاف و این‌چنین کتبي ملاحظه مي‌شود که حتي يک گزاره مستقيم هم در بسياري از کتب متقدّمين نيست که گفته شود «يحرم النظر الي الأجنبيه» و بر اين مطلب توقفي شده باشد، بلکه عمده مباحث این‌چنین است که فرموده‌اند «يستثني من النظر الي الأجنبيه الوجه و الکفين».

و لذا بايد گفت اين بحث بسيار استطرادي و البته مفروغ‌عنه تصور شده و به صورت ضمني مورد تعرض قرار گرفته و به سرعت به سراغ استثنائات آن رفته‌اند. چراکه آن‌ها اين اصل را بسيار مسلّم مي‌دانستند. درعین‌حال در اينجا بنا بر اين است که ادله اصل مسئله نيز مورد بررسي قرار گيرد؛ که مرحوم خویی حدود شش دليل در يک صفحه ذکر نموده‌اند و همچنين در بحث نکاح مرحوم شيخ انصاري مشاهده مي‌شود که چند صفحه را به اين بحث اختصاص داده‌اند، همچنين در کتبي مثل مستمسک نيز این‌چنین است و در تقريرات دروس حضرت آقاي شبيري زنجاني نيز بيش از ده صفحه راجع به اين مطلب بحث شده است و شايد ما به صورت مبسوط‌تر از همه اين بزرگان مروري بر اين ادله داشته باشيم.

#### دليل اول: آيه 29 و 30 سوره نور

اولين دليل که در اصل مسئله «حرمة النظر إلي الأجنبيات» عرض خواهد شد عبارت است از آيات 29 و 30 سوره نور که خداوند متعال مي‌فرمايند:

**﴿... قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...﴾**

اين اولين بحث است که ان‌شاءالله در جلسه آينده به آن پرداخته خواهد شد ان‌شاءالله.